



وکیل مستقل؛ مدافع حقوق مردم* رییس جمهور دکتر حسن روحانی

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و

آله طاهرين.

بسیار خوشحالم که فرصتی پیش آمد تا امروز در محضر حقوقدانان، وکلای محترم و خادمان حقوقی ملت عزیز و بزرگوار ایران باشم. البته همزمان برخی از دوستان عزیز هم کلاسی را که مدت‌ها بود ندیده بودم، الان از کنار گوشه‌ی این مجلس آن‌ها را زیارت می‌کنم که این هم مغتنم بود. البته یک فرصت جداگانه‌ای انشاءالله خصوصی‌تر با هم کلاسی‌هایمان می‌گذاریم. یعنی فرصتی که با آن‌ها بیشتر بتوانیم درد دل کنیم و حرف بزنیم.

امنیت قضایی و احساس امنیت

مسأله امنیت برای یک جامعه، برای رشد و توسعه یک جامعه و پیشرفت و تعالی یک ملت، یک پایه مهم و اساسی است و در بخش امنیت یک بخش حائز اهمیت، امنیت قضایی است. در واقع همه در نهایت، به یک پناهگاهی که ملجأ مشکلات و تظلم آن‌ها باشد، نیاز دارند هر مقدار آن ملجأ نزدیک‌تر و عادلانه‌تر و به حقوق مردم و احقاق حقوق مردم فعال‌تر باشد، امنیت مردم بیشتر می‌شود. مقصود من از امنیت، بیشتر احساس امنیت است. احساس امنیت برای یک جامعه، گاهی از خود امنیت هم اهمیتش بیشتر است. ممکن است در یک جامعه‌ای امنیت واقعی نباشد اما احساس امنیت باشد و لذا اعتماد باشد، فعالیت

*- این سخنرانی در تاریخ شنبه، سوم اسفند ماه ۱۳۹۲، هم‌زمان با هفته‌ی وکالت، در جمع اعضای هیأت مدیره‌ی کانون‌های وکلای دادگستری سراسر کشور ایراد شده است. با توجه به اهمیت مطالب بیان شده در این سخنرانی -برای جامعه‌ی وکالت- و از سویی دیگر با توجه به عدم بازتاب بایسته‌ی گزارش این دیدار، متن کامل سخنرانی ریاست محترم جمهوری پیاده‌سازی و به عنوان سخن نخست تقدیم گردیده است.



باشد، شور باشد نشاط باشد و ممکن است در یک جامعه ای امنیت واقعی باشد اما اگر احساس امنیت نباشد، مسلماً آثار اجتماعی امنیت دیده نخواهد شد.

در بحث امنیت قضایی اگر مردم بخواهند احساس امنیت کنند باید بدانند یا احساس کنند که دستگاه قضا در دسترس همه است. یعنی همه می توانند تظلم خواهی کنند. همه می توانند شکایت خود را مطرح کنند همه می توانند به آن ملجاء ای که ملجأ اجرای عدالت است خود را نزدیک کنند. در صورتی احساس امنیت قضایی خواهد بود که همه بدانند که در برابر قانون یکسانند. هم در برابر قانون و هم در برابر محکمه قانونی. همه احکامی که اسلام بر آن تکیه دارد این است که در نهایت، در دادگاه، ما به عدالت برسیم «و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل». مباد روزی بیاید که قاضی در قضاوتش، که ان شاء الله هیچ وقت نخواهد بود یا حتی در نگاهش نسبت به شاکی و متهم یکسان نباشد. ولو اینکه از لحاظ اعتقادات - حتی سیاسی - قاضی احساس کند که به یکی خیلی نزدیک تر است، اما در دادگاه همه یکسانند. تساوی مردم در برابر قانون، تساوی مردم در برابر محکمه و احساس این تساوی، بسیار حائز اهمیت است. همه بدانند که تنها و تنها قانون اجرا می شود و قانون معیار است. امیال، خواسته ها و نظرات خاص در هیچ محکمه ای مطرح نیست. احساس امنیت قضایی در زمانی است که اصل برائت با قدرت در جامعه مورد توجه باشد. هیچ کس گناهکار نیست و هیچ کس از دیدگاه اسلام مجرم نیست. همه بی گناهند در ذات. آلا آنکه در محکمه ای صالحه ای، گناهی به اثبات برسد. تا آن زمان اصل برائت حاکم است. تا زمان انشاء رأی قاضی عادل بر مجرمیت یک فرد، تا آن لحظه اصل برائت حاکم خواهد بود. نیاید آن روزی که اصل بر گناه باشد و اتهام، مگر آنکه بی گناهی به اثبات برسد. «البینه علی المدعی» ولو اینکه این مدعی حکومت باشد. ولو اینکه دادستان باشد. او باید به اثبات برساند. افراد جامعه هرگونه اتهامی داشته باشند، در قدم اول در دادگاه، بی گناه هستند.

حق داشتن وکیل در قانون اساسی

از اصولی که در قانون اساسی بر همه آنها تأکید شده، حق در اختیار داشتن و انتخاب وکیل است. اگر این حق در شرایط امروز جامعه مخدوش بشود، قطعاً عدالت مخدوش می شود. یک زمانی بود که دعوای، دعوای ساده ای بود. اصلاً قوانین هم به پیچیدگی قوانین امروز نبود. در این شرایط، هر فردی می توانست در یک محکمه ای از خودش دفاع بکند و احساس کند عدالت اجرا می شود. اما در شرایط کنونی دنیای امروز، با پیچیدگی قوانینی که حتی ما قاضی و دادگاه را هم داریم تخصصی می کنیم و وکلا هم گر چه در هر زمینه ای می توانند وکیل باشند، ولی عملاً در بسیاری از کشورها، وکلا هم تخصصی می شوند، آشنایی به همه قوانین، تسلط به همه قوانین با این گستردگی که وجود دارد امکان پذیر نیست، لاقلاً بسیار بسیار سخت و مشکل است. خوشبختانه حق داشتن وکیل و انتخاب وکیل بعد از پیروزی انقلاب در قانون اساسی بر آن تأکید شده است. البته



همان طور که اشاره شد، شاید بحث وکالت در دادگستری همزاد با دادگستری مدرن در این کشور بعد از انقلاب مشروطه باشد. از زمانی که دادگستری تشکیل شد. از همان زمان هم به تدریج بحث وکالت مطرح شد. حالا اگر بگوییم اولین مقررات مربوط به وکالت، قوانین مربوط به سال ۱۳۰۹ است، تقریباً نود سال است که بحث وکالت در ایران مطرح است. بعد هم در قوانین مختلف ۱۳۱۵، ۱۳۱۶ تا ۱۳۳۱، ۱۳۳۲ که قانونش و بعد آئین‌نامه‌اش و ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ و مراحل بعد تا بعد از پیروزی انقلاب، مسأله‌ی وکالت به عنوان یک پایه برای احقاق حقوق و اثبات حقوق مردم مطرح است.

حق داشتن وکیل، قطعاً جزء حقوق شهروندی مهم جامعه است. هر کسی باید بتواند وکیل داشته باشد. آن مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام، خیلی به صراحت این را بیان می‌کند، که اگر در یک محکمه ای قاضی بخواهد منع کند یکی از اصحاب دعوا را از داشتن یا انتخاب وکیل، اصلاً حکم آن دادگاه، کأن لم یکن است. قاضی معرفی می‌شود به دادگاه انتظامی قضاات و تکرار بکنند، عزل می‌شود. خیلی مهم است و همه‌ی ما هم باید بدانیم که وکیل در انجام وکالت خودش، در کار حرفه‌ای وکالت خودش، باید مصون از هر گونه تعقیب باشد. ممکن است یک وکیل، مثل همه مردم، در زندگی‌اش تخلفی داشته باشد، جرمی مرتکب شود، آنجا رسیدگی می‌شود. اما اگر مسأله حرفه‌ای است، باز این کانون وکلاست که باید بیاید رسیدگی بکنند، اگر در بحث حرفه‌ای اشکالی پیش می‌آید یا تخلفی پیش می‌آید. اما در عین حال هیچ کس را به خاطر وکالت، نباید ملامت کنیم. ممکن است یک آدم فاسد مجرم، وکیل بخواهد و شما می‌روید و وکالت می‌کنید، آن وقت ما بیایم آن وکیل را محکوم بکنیم، بگوییم این آقا، وکیل یک آدمی شده است که این آدم مجرم است!! خوب در بعضی از دادگاه‌ها اصلاً وجود وکیل الزامی است. ممکن است یک وکیلی، قبول نکند وکالت را در یک موردی. این حق اوست. چون همانطوری که موکل حق دارد وکیل انتخاب کند، وکیل هم این حق را دارد. به هر حال عقد است دیگر. وکیل هم حق دارد قبول کند یا قبول نکند. اما اگر یک وکیلی قبول کرد، از یک مجرمی دفاع بکنند در دادگاه، ما نباید آن وکیل را محکوم بکنیم. ما نباید او را به تمسخر بگیریم، چون حتی آدم مجرم از دیدگاه اسلام حقوقی دارد که آن حقوق باید مورد مراعات قرار بگیرد. حتی یک فرد محکوم به اعدام، دارای حقوقی است که آن حقوق باید مورد مراعات قرار بگیرد.

وکیل رقیب دستگاه قضا نیست

وکیل جایگاه بسیار مهمی دارد و من فکر می‌کنم که بعضی از دعوای و اختلافات، از اینجا نشأت می‌گیرد که دستگاه قضا وکیل را رقیب خودش می‌داند، البته شاید دلیل دیگری هم دارد. وکیل رقیب دستگاه قضا نیست. البته قضاات ممکن است حساسیت‌هایی داشته باشند. من یادم می‌آید در سال ۵۲، ۵۱ ترم آخر دانشگاهی که ما می‌رفتیم برای



کارآموزی در دادگاه‌های مختلف، یک قاضی‌ای بود، قاضی دادگاه جنایی بود. بسیار قاضی پخته‌ای بود و با سواد. صبح‌ها ما می‌رفتیم دادگاه شب‌ها او می‌آمد مسجدی که من منبر می‌رفتم. معمولاً هم پرونده‌ها را به من می‌داد، می‌گفت شما بخوان و رأی صادر کن و به من بده. من پرونده را می‌خواندم رأی را می‌نوشتیم و می‌دادم. ایراد می‌گرفت، می‌گفت مثلاً این اشکال را دارد. خوب، دوره کارآموزی ما بود. به هر حال گاهی وقت‌ها بعضی از وکلا می‌آمدند. توی گوش من می‌گفت خبری نیست یعنی این وکیل، خیلی وارد نیست. اصلاً نمی‌خواهد خیلی گوش کنی که چه می‌گوید. دو تا وکیل بودند که به من می‌گفت خوب گوش کن. این وکلا، وکلایی هستند که مرا وادار می‌کنند، دقت بیشتری بکنم. این حرف خیلی مهم است. وکیل، قاضی را وادار کند که با دقت بیشتری پرونده را بخواند و با توجه دقیق‌تر به قوانین، حکم صادر کند. وکیل، رقیب قاضی نیست. وکیل، همکار قاضی است. اگر در محکمه، ما دنبال کشف حقیقتیم، همه مراحل دادگاه، اعم از قاضی ایستاده در دادستانی، تا قاضی نشسته، همه جا دنبال کشف حقیقتیم و این دو بالی که گفته‌اند، من می‌گویم دو بال برای کشف حقیقت است. قاضی و وکیل دو بال پرواز برای یافتن حقیقتند. وکیل کمک می‌کند، حالا چه آن دعوایی که دو طرف وکیل دارند و چه آن جایی که یک طرف وکیل دارد و یک طرف دادستان است (در جرائم عمومی). فرقی نمی‌کند، به هر حال دادستان یا نماینده دادستان، وکیل یا وکلای دو طرف، کمک می‌کنند به قاضی. برای اینکه قاضی گاهی ممکن است در پرونده‌ای چیزی مغفول بماند. پرونده‌هایی هست که قاضی نمی‌رسد همه پرونده را بخواند. من نمی‌دانم الآن آمار چقدر است و یک قاضی در سال چند پرونده را می‌بیند و چند تا حکم صادر می‌کند. در بعضی از کشورها یک قاضی در حدود ۳۰۰ پرونده و بعضی‌ها بیشتر و بعضی‌ها کمتر. چقدر؟! ۲۰۰۰ تا؟! حالا هر چه. به هر حال حتی اگر قاضی در روز به یک پرونده هم رسیدگی بکند، در عین حال کشف حقیقت بسیار سخت و مشکل است و این وکیل است که کمک می‌کند یا وکلا هستند که می‌آیند و کمک می‌کنند. پس همه قضات و دستگاه قضایی، باید استقبال کنند از حضور وکلا در محاکم.

لزوم ترویج فرهنگ وکالت برای مردم

ما باید فرهنگ وکالت را برای مردم باز کنیم. برای مردم توضیح بدهیم. تشریح کنیم. هر چه فرهنگ وکالت در جامعه ما ترویج بشود، شما بدانید ما به عدالت نزدیک‌تر می‌شویم. هر چه وکلای قوی‌تر در جامعه داشته باشیم، پرونده دادگستری کمتر می‌شود. وجود وکیل قوی، وجود قاضی باسواد عادل، می‌تواند دعوای را کم کند. می‌تواند بازدارنده باشد. اینکه دستگاه قضایی یکی از وظایفی که برایش ذکر شده است پیشگیری است و پیشگیری همین است. اگر ما به معنی واقعی کلمه، دادگاه صالحه داشته باشیم، اگر وکیل قدرتمند و قوی و صاحب نظر داشته باشیم، در جامعه خودبه‌خود دعوا کم می‌شود، چون



جرم کم می‌شود. طرف می‌داند که اگر تخلفی بکند، آن طرف می‌رود شکایت می‌کند، توی آن دادگاهی که دادگاه عدل است و می‌رود وکیل می‌گیرد. وکیلی که می‌تواند احقاق حق بکند. پس وکیل خوب و قاضی عادل می‌تواند پیشگیری کند از جرائم. ما باید این فرهنگ را برای مردم باز کنیم، توضیح بدهیم، تشریح کنیم.

طبق قانون، در مقام ایفای وظیفه وکالت، وکیل دارای همان شأن و جایگاه و تأمیناتی است که برای شغل قضاوت وجود دارد. این هم در آن مصوبه مجمع تشخیص مصلحت، تصریح شده که امروز قانون است. البته همه شما توجه دارید، در باب وکالت، دو هدف برای وکیل حائز اهمیت است. به هر دو باید توجه کند. از یک طرف باید از حقوق موکل خودش (چون قبول کرده و به هر حال وکالت را پذیرفته) به خوبی دفاع کند و از یک طرف هم، باید بحث عدالت برای او هدف مهمی باشد و توجه کند عدالت در آن محکمه خدشه دار نشود. معنی‌اش این نیست که از موکل خودش دفاع نکند اما هر دو هدف باید مد نظر قرار بگیرد. اخلاق حرفه‌ای در وکالت بسیار حائز اهمیت است. وکیل حافظ اسرار مردم باید باشد طرف خیلی چیزها به وکیلش ممکن است بگوید. اعتماد می‌کند به وکیلش، همه زندگی‌اش را می‌گوید. وکیل باید امانتدار موکل خودش باشد. هیچ جا حق ندارد این امانت را زیر پا بگذارد. امانتدار است و از طرفی بسیار مهم است که چگونه موکل خودش را هدایت کند.

این که از کجا و از چه مقطعی فرد می‌تواند وکیل داشته باشد، جای بحث است. حالا به نظر شخص من از لحظه اول. از لحظه اول که طرف را مورد هر گونه اتهامی قرار می‌دهند یا در هر مقطعی که طرف چه توسط دادگاه، چه ضابطین و قبل از دادگاه، به هر حال مورد دعوت قرار می‌گیرد، باید بتواند در کنار خودش وکیل داشته باشد. این‌ها جای بحث است. آیا ما قبل از اینکه طرف وکیل داشته باشد، می‌توانیم طرف را مورد بازجویی قرار بدهیم. البته در بحث‌های امنیتی، حرف‌های زیادی زده می‌شود. چون حالا من در بحث امنیت هم عملاً سال‌ها مسئولیت داشتم، می‌دانم چه بحث‌های مختلفی اینجا مطرح می‌شود. ولی همه باید بدانیم اگر یک باگناه مورد مجازات قرار نگیرد و به دلایلی، جرم او به اثبات نرسد، هیچ طوری نمی‌شود. اما مباد آن روزی که یک بی‌گناه مورد مجازات قرار بگیرد. این اصل احکام و مقررات اسلامی ماست.

لزوم استقلال وکیل از حکومت

تمام وکلای ما باید مستقل باشند. بدون تردید، وکیل، مدافع حقوق مردم است. اگر وکیل مستقل نباشد، اگر بخواهد تحت نفوذ حکومت باشد چه طور می‌تواند دفاع کند از حقوق مردم؟! البته حکومت هم در واقع جدای از مردم نیست. منتخب مردم است. خادم مردم است. یک حکومت واقعی، یک حکومت دموکراتیک، یک حکومت مردم سالار و یک حکومت اسلامی باید خودش را خادم مردم بداند. هیچ کس در این کشور جز



نمایندگی از ملت، شأن دیگری ندارد. اصل مردم هستند. حکومت مال مردم است. کشور مال مردم است. بیت‌المال، از آن مردم است. این مردم هستند که برای زندگی بهتر خودشان یک افرادی را به عنوان مدیر انتخاب می‌کنند، حالا یا مستقیم یا غیر مستقیم. همه باید یادمان باشد که باید بهترین و صادقانه‌ترین خدمت‌گزار برای مردم عزیز کشورمان باشیم. چیز دیگری نیست. فردی هست که وکیلی را انتخاب می‌کند برای دفاع از خودش، از حقوق خودش. اگر شک و تردید داشته باشد، اگر وکیل بی طرف نباشد، اگر وکیل مستقل نباشد، پس تمام این‌ها برای چیست؟ برای اینکه دغدغه خاطر مردم از بین برود، مردم احساس امنیت بکنند در زندگی‌شان، فضای امنی بر زندگی آن‌ها حاکم باشد، باید بدانند که یک وکیلی که به قوانین و مقررات کاملاً آشنا هست، آزادانه از او دفاع می‌کند.

آزادی بیان حق همه مردم است، به ویژه حق وکیل، در جایی که دارد از موکل خودش دفاع می‌کند. اگر آزادی بیان برای وکیل نباشد، من چه اعتمادی دارم؟! می‌گویم وکیل گرفته‌ام، این وکیل من می‌ترسد حرف حق بزند! از من دفاع کند! یا ممکن است به او فشاری وارد شود! این که دیگر وکیل نمی‌شود!! اصلاً دیگر وکالت معنی ندارد. وکالت بدون آزادی، بدون محیط آزاد، بدون اینکه همه بدانیم وکیل در شغل وکالت خودش، در کار حرفه‌ای خودش دارای مصونیت است و اگر این‌ها نباشد من چطور بتوانم اعتماد کنم و احساس امنیت بکنم که وکیل من می‌تواند به خوبی از من دفاع بکند!؟

توسعه‌ی فرهنگ حقوق شهروندی

یک نکته دیگر می‌خواهم اینجا اضافه بکنم و آن اینکه درست است که شما وکلای مردم هستید، وکلای دادگستری هستید، از مردم دفاع می‌کنید، اما یک مقدار هم وقتتان را باید بگذارید برای فرهنگ حقوقی در جامعه. حالا گفته شد که دانشکده و دانشگاه و مراکزی که حقوقدان تربیت می‌کند، ظاهراً خیلی زیاد شده است. آن زمان‌ها، آن وقت‌هایی که ما دانشجو بودیم، ظاهراً در کل کشور دو دانشکده حقوق بیشتر نبود، یکی دانشگاه تهران و یکی دانشگاه ملی. به هر حال ظاهراً این طور که من یادم است، جای دیگری نبود. حالا به هر حال تعداد افرادی که می‌آمدند، خیلی محدود بود. چقدر مگر ما استاد حقوق داریم که این قدر توسعه بدهیم؟! خیلی مهم است، استادی که بتواند شاگرد تربیت بکند. واقعاً ما توی دانشکده در همان وقت هم اساتیدی بودند، بسیار فرهیخته، با سواد و فهمیده. واقعاً از اول تا آخر کلاس، آدم می‌توانست استفاده کند. حالا در سراسر کشور این همه استاد حقوق داریم که این همه دانشجو داشته باشیم!؟ این همه دانشکده داشته باشیم!؟ آن هم ظاهراً بعضی‌هایش غیر حضوری است. مگر می‌شود بدون استاد، آدم حقوقدان بشود! مگر امکان پذیر است. آدم باید شاگردی بکند، در برابر استادهای صاحب‌نظر، فرهیخته، تا بتواند حقوقدان بشود، تا بتواند قانون را درست بفهمد. تا بتواند خوب دفاع بکند. به هر حال، یک بخش از کار هم، فرهنگ حقوق در جامعه است. بیاید



یک خرده وقتان را بگذارید برای این کار. می‌دانم سر بعضی‌ها خیلی شلوغ است. مصاحبه کردن! حرف زدن با روزنامه‌ها! حرف زدن با رسانه‌ها! بخش‌های حقوقی را برای مردم توضیح دادن. بعضی از مردم به حقوق خودشان آشنا نیستند نمی‌دانند. این حقوق مردم باید برای آن‌ها تشریح بشود. من علت اینکه بحث حقوق شهروندی را مطرح کردم که حالا بعضی‌ها هم ایراد گرفتند، برای این بود که اصول قانون اساسی که معطل مانده، ما بتوانیم این اصول را احیاء کنیم. چون رئیس جمهوری، ضمناً مسئول اجرای قانون اساسی هم هست و از طرف دیگر ما فرهنگ حقوقی را در جامعه توسعه بدهیم. مردم بدانند، دانش آموز ما، دانشجوی ما، مردم ما، روستائی ما و شهری ما. شما هم بک مقداری باید وقت بگذارید برای این مسأله.

لزوم دفاع از همه‌ی حقوق ملت

یک مسائلی هم هست، مسائل مهمی است. من واقعاً دیدم که بعضی‌ها نسبت به برخی از فعالیت‌هایی که این دولت دارد انجام می‌دهد، نقد می‌کنند. خوب، نقد که حق آن‌هاست. هیچ اشکالی ندارد. موجب افتخار این دولت است که عده‌ای بیایند، نقد کنند و انتقاد کنند، راه حل بدهند. اما گاهی آدم احساس می‌کند، بحث تخریب مطرح است. بحث نقد مطرح نیست. آنجا باید افرادی که صاحب نظرند به میدان بیایند و باید بیایند و دفاع کنند، نه دفاع از دولت، بلکه دفاع از حقوق مردم. بعضی‌ها فکر می‌کنند توی این کشور، یک حق بیشتر نداریم و آن حق هسته‌ای است. اگر این حق درست شد، همه حقوق مردم درست شده است. بله، حق هسته‌ای، یکی از حقوق ما است. می‌گویند حق مسلم ماست. درست می‌گویند. حق مسلم ماست. اما حق مسلم ما همین یک دانه است؟! حق مسلم ما فقط سانتریفیوژ است؟! فقط این است؟! حق مسلم این است که اورانیوم را بتوانیم غنی کنیم؟! فقط این است؟! بله، این یکی از حقوق ماست. در چارچوب NPT نیازی نیست، کسی به ما بگوید که حق ایران است. من که اصلاً خوشم نمی‌آید که یک کشوری بگوید این حق ایران است. به او چه؟! اصلاً ۱+۵ یا ۶ کشور بگویند حق ایران است. چکاره‌اند آن‌ها؟! که بگویند حق ایران است. فعالیت. شما که همه استاد حقوقید. فعال در زمینه حقوقید. هر ملتی و هر فردی برای تعالی خودش و برای توسعه خودش، حق هر گونه‌ی فعالیتی دارد، مگر آنکه منع آن، در یک قانون بین‌المللی یا قانون ملی تصریح شده باشد. آزادی فعالیت که همه آزادند در فعالیت. شما اگر بخواهید در خیابان راه بروید، می‌روید نگاه می‌کنید که توی قانون به شما بگویند شما آزادی؟! همه آزادند، در فعالیت‌های خودشان، در حرف خودشان، مگر این که منع شده باشد. همه ملت‌ها، در انجام فعالیت‌ها از جمله فن آوری‌های پیشرفته، آزادند. ما می‌خواهیم یک تحقیق بکنیم، برویم از ۱+۵ پرسیم که آقا ما آزادیم؟! ۱+۵ چه کاره است؟! این حق طبیعی ماست. حق خدادادی است. حق همه ملت‌هاست. ضمن اینکه در معاهده NPT که یک معاهده بین‌المللی است، در آن هم، از دید ما و با تفسیر ما، بر این



حق تصریح شده است، یا لافل (که هیچ کس نمی تواند شک کند) بر عدم منع آن تصریح شده است. حالا یک کسی بیاید و بگوید (در فلان قرارداد یا در فلان نوشته) آیا آن ها حق ایران را به رسمیت شناخته اند یا به رسمیت نشناخته اند!! حق ملت سر جای خودش است. اصلاً اگر آن ها بگویند ما حق ایران را به رسمیت می شناسیم، توهین به ماست. آن ها موانع برای ما درست می کنند. بحث این است که اذیت نکنند و بروند کنار. موانع جلوی پای ما نگذارند، همین. ما کار دیگری نداریم با آن ها. تمام این مذاکرات هم برای این است که مواعی که پیش پای این ملت گذاشته اند به ناحق و تحریم های ظالمانه و به ناحقی که انجام داده اند برداشته شود. اما تا می خواهیم یک تحریم را برداریم که حق مردم ماست، می گویند آقا چطور شد! مثل اینکه بعضی ها، این تحریم ها را دائمی و الی یوم القیامه می دانند و اگر بخواهد برداشته شود، بعضی ها خیلی ناراحتند، که آقا تحریم دارد برداشته می شود!! تحریم، یک کار غیر قانونی ظالمانه است که علیه مردم ایران اعمال شده است. حالا من می خواهم از این بحث چه بگویم! می خواهم بگویم، بحث های حقوقی را شما باید مطرح کنید، اساتید حقوق باید مطرح کنند، تا مردم آگاه باشند که چه می گذرد. در برابر آنهایی که سخنانی می گویند که مردم را در تردید قرار می دهند، مردم را در یأس قرار می دهند، شماها باید صحبت کنید، حرف بزنید، توضیح بدهید و شرح بدهید. به هر حال، وکالت یعنی دفاع از حقوق مردم. هیچ چیز دیگری نیست. حالا در وکالت های خاص شما از موکل خاص دفاع می کنید. این ها هم مردمند. دارید دفاع می کنید از مردم. در کلیت هم، به معنای دفاع از همه ملت است.

تأکید دولت بر اصل استقلال وکیل

نکته دیگر هم داریم. اینکه دولت، نه برای این لایحه جامع وکالت، برای همه لویاچش، به نظرات شما نیازمند است. هر لایحه ای که دولت دارد ارائه می کند، یا حتی هر قانونی که دارد اجرا می شود. قانون محترم است، اما شما می توانید نقدش کنید. قانون را باید بگویید تا اصلاح بشود. اشکالی ندارد. ما ضمن اینکه قانون را اجرا می کنیم، نقد هم می توانیم بکنیم. به هر حال، آن قانونی که نقد ندارد، قانون حق است، قانون خداست. قانون بشری را می شود نقدش کرد. انتقاد کرد. شما خودتان در دادگاه ها، در بحث وکالت احساس می کنید قانون کجا ابهام دارد!! قانون کجا نقص دارد!! این شما هستید که باید پیشنهاد بدهید. کانون وکلا، نمی خواهم بگویم که جزء یکی از وظایفش است، ولی این کار را بکنند. نظرات وکلا را راجع به قوانین مختلف و مواد مختلف جمع بکنند و برای بخش حقوقی دولت بفرستند. ما ممنون می شویم. به هر حال جای تشکر دارد از این که در این زمینه به دولت کمک کنند. در لایحه وکالت هم، من به عنوان رییس دولت، اینجا اعلام می کنم، استقلال وکیل، اصل مسلمی است که نسبت به حقوق وکلا، دولت بر آن تأکید می کند. کانون به هر حال منتخب شماست، هیأت مدیره ها منتخب شما هستند باز برای اینکه



بتوانند از حقوق شما دفاع کنند. ما هر اقدامی که لازم باشد، حالا انشاءالله لایحه بیاید در دولت ما بحث می‌کنیم، نسبت به حقوق وکلا. آنچه برای ما مهم است عدالت و حق مردم است. انشاءالله امیدواریم لایحه ای در نهایت تنظیم شود و مجلس هم انشاءالله به گونه‌ای تصویب بکند که حقوق مردم تأمین بشود و عدالت تأمین بشود. بحث وکلا و وکالت هم بحثی است از همان بحث حقوق مردم و عدالتی که باید در جامعه ما استقرار پیدا کند.

استمداد از وکلا و دانشگاه‌ها در دعاوی بین‌المللی

و کلام آخر، در بعضی زمینه‌ها ما دارای ضعف‌هایی هستیم، از جمله در زمینه دفاع در دعاوی بین‌المللی. در این سال‌های اخیر، در این دعاوی بین‌المللی که ما وارد شدیم، بیشتر واضح شد برای ما. در بعضی از زمینه‌ها، دانشکده‌های حقوق ما، واقعاً خوب کار کردند و افراد شایسته‌ای را تربیت کردند. اما در زمینه دعاوی بین‌المللی، ما ضعف داریم. در این زمینه، همه باید کمک کنیم. اساتید، وکلا، مخصوصاً آنهایی که تجربه دارند، همه دست به دست هم بدهیم، انشاءالله این بخش را هم تقویت کنیم، تا در دعاوی بین‌المللی ما مجبور نشویم، مرتب از وکیل خارجی استفاده کنیم. الآن در دعاوی مختلفی که دولت دارد، ناچار می‌شود، از وکلای خارجی استفاده کند. به دلیل اینکه متخصص در این زمینه‌ها کم داریم. نمی‌گویم اصلاً نداریم، کم داریم. گاهی وقت‌ها تبحر به اندازه کافی نیست. من خواهش می‌کنم در این زمینه هم کمک کنید تا ما انشاءالله وکلای مبرزی نه تنها برای دفاع از حقوق مردم خودمان داشته باشیم، حتی بتوانیم از حقوق ملت‌های دیگر و کشورهای دیگر هم در آینده، دفاع بکنیم و همه ما بتوانیم انشاءالله خدمت‌گزار خوبی برای مردم عزیزمان باشیم.

باز هم امیدوارم فرصت‌هایی پیش بیاید در خدمت شما عزیزان و حقوقدانان عزیز و وکلای شریف باشم و بتوانم از محضر شما استفاده بکنم (والسلام).